



حضرت فاطمة المعصومة

زندگی نامه، کرامات،
مقام ایشان در کلام معصومین،
احادیث، القاب و اوصاف،
ثواب زیارت



صفایی بوشهری

الله
مُحَمَّدٌ
صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ

زندگی نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةً طَيِّبَةً أَصْلُهَا

ثَابِتٌ وَقَرْعَهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتَى أُكُلُّهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا﴾^۱

«آیا ملاحظه نکرده ای که خداوند کلمه و وجود پاک را به درخت پاک و زیبا مثال زده است که اصل و ریشه‌ی آن استوار و پاپرجاست و شاخه‌ی آن آسمان را فرا گرفته است و هرگاه که خدا بخواهد ثمرات گوارا می‌دهد.»

نام مبارک حضرت معصومه عليها السلام «فاطمه» است. پدر بزرگوارش حضرت «موسى بن جعفر» عليه السلام امام هفتم شیعیان جهان بوده و مادر عالی مقامش حضرت «نجمه» عليه السلام می‌باشد. تبار آن حضرت به پنج

۱. سوره‌ی ابراهیم (۱۴)، آیه: ۲۴.

۲. نام اصلی آن بزرگ بانو «تکم» و از القاب وی «طاهره» و کنیه‌ی او «أم البنین» می‌باشد. در کتب تاریخی در وصف ایشان نگاشته شده است: «كَائِنَتْ مِنْ أَفْضَلِ النِّسَاءِ فِي عَنْقِهَا وَ دِينِهَا : وَيَ از برترین زنان در قدرت عقل و مراءات دین بود.» ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۴.

واسطه به حضرت زهرا و امیر مؤمنان امام علی بن ابی طالب عليه السلام
می‌رسد و با شش واسطه به حضرت محمد پیامبر گرامی اسلام صلوات الله عليه و آله و سلم
می‌رسد.^۱

مشهور آن است که آن حضرت در اوّل ذی قعده سال ۱۷۳ هجری
قمری در مدینه به دنیا آمد. آفتاب وجودش بیت رسالت و امامت را
نوری افزون بخشید و در آسمان عصمت و ولایت ستاره‌ای بس فروزان
و بی غروب طلوع نمود. بزرگ‌بانویی از تبار حضرت ابراهیم قهرمان
توحید و از نسل سراسر نور حضرت محمد صلوات الله عليه و آله و سلم خاتم پیامبران و امام
علی بن ابی طالب امیر مؤمنان و فاطمه زهرا صلوات الله عليه و آله و سلم سرور زنان جهان
تولد یافت که بر تاریخ آینده‌ی اسلام تاثیری بسزا گذاشت. آن بزرگ‌بانو
چنان دارای شأن و منزلت باشکوهی است که امام صادق در این باره سال‌ها پیش از میلاد آن حضرت و پدر بزرگ‌گوارش چنین فرموده است:
 «أَلَا إِنْ قُمَّ حَرَمِيْ وَ حَرَمُ وُلْدِيْ مِنْ بَعْدِيْ أَلَا إِنْ قُمَّ كُوْفَةً صَغِيرَةً أَلَا إِنْ
 لِلْجَنَّةِ ثَانِيَةً أَبُوَابٍ ثَلَاثٌ [ثَلَاثَةً] مِنْهَا إِلَى قُمَّ تُقْبِضُ فِيهَا آمْرَاءُ هِيَ مِنْ وُلْدِيْ

۱. تبارنامه‌ی آن حضرت اینگونه است که اجداد حضرت معصومه صلوات الله عليه و آله و سلم با سی
و دو واسطه به حضرت اسماعیل و باسی و سه واسطه به حضرت ابراهیم متصل
می‌باشد و با چهل و چهار واسطه به حضرت نوح و با پنجاه و سه واسطه به
حضرت آدم می‌رسد.

و آسمُها «فاطِمَةُ بْنُتُ مُوسَى» تَدْخُلُ شَفَاعَتِهَا شَيْعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْعِهمْ^۱

«آگاه باشید که قم حرم من و حرم فرزندانم بعد از من میباشد. آگاه باشید که قم، کوفه‌ی کوچکی است و بدانید که برای بهشت هشت درب است که سه تای آنها به سوی قم باز می‌شود. در آنجا بانوی از فرزندانم وفات می‌یابد. نام وی «فاطمه دختر موسی» است. تمامی شیعیان من به شفاعت وی وارد بهشت می‌شوند.»

امام کاظم در بیان عظمت شخصیت کامل بهویژه علمی وی فرموده است:

«فَدَاهَا أَبُوهَا»^۲

«پدرش به فدایش باد»

و امام رضا در ثواب زیارت آن کریمه‌ی اهل بیت بیان داشته است:

«مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۳

«هر که حضرت مصصومه را زیارت کند پاداش وی بهشت است.» از ألقاب آن حضرت: «مصلومه»، «طاهره»، «حیده»، «محمده»،

۱. سفينة البحار، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. کریمه‌ی اهل بیت، ص ۱۷۱؛ کریمة اهل‌البیت فاطمة بنت الإمام الكاظم، ص ۷۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵، ثواب الأفعال، ص ۹۹؛ کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

«کریمه»، «شفیعه»، «علمه آل طه» و کنیه‌ی وی «اخت الرضا» می‌باشد.^۱

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از بانوان نمونه و برجسته‌ای است که خاندان آنبياء و أولياء تاکنون به خود دیده است. وی دارای مقام عصمت عملی و تحلی تام‌نهای جده‌ی عرشی اش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد. آن بزرگ‌بانو دارای فضائل بسیاری است که به برخی از آن ویژگی‌ها و صفات ارزشمند اشاره می‌شود:

۱. ایمان کامل و تقوای الہی
۲. تولد از نسل پیامبران آسمانی
۳. دارا بودن قدرت شفاعت اخروی
۴. زهد و پارسانی
۵. فضائل اخلاقی و کمال عرفانی
۶. عبادت و نیایش عرشی
۷. جود و کرم و مردم‌داری
۸. صبر، استقامت و برداشی
۹. جهاد و ولایتمداری
۱۰. علم و دانش اسلامی
۱۱. بصیرت و آگاهی

۱. أنوار المشعشعين، ج ۱، ص ۲۱۱.

۱۲. ایثار و از خودگذشتگی

این فضائل عالیه و نسب آسمانی تبار نورانی اش از وی چهره‌ای
ممتاز و پر جلال و شکوه ساخته است.

در بین بانوان گرانقدر جهان اسلام تشابه فراوانی بین حضرت
«فاطمه زهرا» و حضرت «مصطفومه» وجود دارد که به برخی
از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. هم نامی (فاطمه)
۲. هم لقبی (مصطفومه)
۳. هم تباری (هر دو از نسل پیامبر گرامی اسلام ﷺ و در
نهایت از نسل حضرت ابراهیم خلیل الرحمن)
۴. ایمان و تقوا و اخلاق کامل اسلامی
۵. عبادت و انس با دعا و قرآن
۶. علم و دانش اسلامی
۷. پاسخگویی به مجھولات و مسائل دینی
۸. هجرت از وطن برای دفاع از حریم ولایت
۹. تحمل سختی‌های بسیار روحی و اجتماعی در دوران کودکی
۱۰. ظلم و ستم فراوان بر پدر دیدن
۱۱. روایت‌گری حدیث ولایت امیر مؤمنان

هجرت ولایی

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام با درک تنهايی و محاصره‌ی از نزديک امام رضا علیه السلام توسط درباريان حکومت غاصب عباسیان برای حمایت و دفاع از حریم ولایت و رفع غم فراق آن امام با تعدادی از خاندان خویش و شیعیان از مدینه به سوی کوفه سپس بغداد و از آنجا به سوی مرز غربی ایران از طریق کرمانشاه و همدان و

ساوه به قصد «مرو» مرکز جدید خلافت عباسیان هجرت ولایت کردند و در ساوه آن کاروان مورد تهاجم دژخیان جنایتکار عباسی از ترس اقتدار مردمی هرچه بیشتر امام رضا ع قرار گرفت و تمامی همراهان آن حضرت یا شهید شدند و یا مجروح گردیدند و بعد از چندی به شهادت رسیدند و در همان مناطق به خاک سپرده شدند و آن حضرت از شدت غم و اندوه بیمار شدند و برخی از تاریخ‌نگاران نوشتند وی را نیز مسموم کردند و ایشان تقاضا کردند که او را به قم برسانند. مردم ولایتمدار قم با شنیدن ورود آن حضرت ع مشتاقانه به استقبال آن حضرت شتافتند و استقبال شایانی از وی نمودند و آن حضرت بعد از پیمودن قریب به دو هزار کیلومتر از مدینه سرانجام به قم رسیدند. «موسى بن خزرج» یکی از بزرگان قم وی را به حضور در منزل خود دعوت کرده و آن حضرت پذیرفتند و به مدت هفده روز در آن منزل سکونت نمودند و مردم قم گروه گروه به دیدار وی نائل می‌شدند. آن حضرت در اتاق خاصی از آن منزل که بعداً به «بیت النور» مشهور گردید به عبادت می‌پرداختند. سرانجام آن حضرت در دهم ربیع الاول سال ۲۰۱ هجری قمری چند ماه پیش از شهادت امام رضا ع وفات یافتد. بزرگان قم تصمیم گرفتند پیکر مطهر وی را در باغ «بابلان» در کنار رودخانه‌ی

قم که متعلق به «موسی بن خزرج» بود دفن نمایند و متصدی این کار را پیرمرد با تقوا و پارسایی به نام « قادر » قرار دادند. در همان اوان مراسم دو سوار از دور نمایان شدند و تمامی مراسم به خاکسپاری را عهدهدار گردیده و بعد از اتمام آن بازگشتهند. بزرگان دین گجان بر آن دارند که آن دو بزرگوار، امام رضا و امام جواد علیهم السلام میباشند.

«موسی بن خزرج» بر آن مرقد مطهر ساییانی گذارند و بعد از مدتی بانوی پارسای اسلام «زینب بنت امام جواد علیهم السلام » بر آن بنایی تأسیس کردنده که به مرور زمان توسعه یافت و هم اینک دارای بارگاه و آستان نورانی و باشکوهی است که مأوى و پناه و ملجاء دلدادگان موحد و با ایمان و شیعیان جهان است و از زیارت آن بزرگبانو بهره‌ای معنوی و تربیتی و برآورده شدن حاجات فراوان نصیب می‌بردند. آستان مقدس آن حضرت گویا قطعه‌ای از عرش در زمین و جایگاه نورانی از بهشت در دنیا است.

شاعران و مدحیجه‌سرایان بسیاری در مدح آن حضرت عظمت آستان وی اشعار فراوانی سرودهاند:

«این بارگاه کیست که در قم مصور است

روح الامین به بام و درش عبد و چاکر است

الله
مَحْمُودٌ
فَقِيلَ

حضرت موصومه
در کلام موصومین
وبزرگان دین

در شان، مقام و منزلت حضرت موصومه ﷺ در روایات و سخنان بزرگان شیعه مطالب بسیار ممتازی بیان گردیده است که جملگی نشان از عظمت شخصیت آن حضرت دارد.

بی تردید با بررسی متون فاخر دین درمی باییم که این اوصاف تنها برای حضرت فاطمه ؓ و حضرت زینب ؓ و حضرت موصومه ؓ در میان زنان تاریخ اسلام ذکر شده است.

در این فصل کلام امامان ؓ پیرامون مقام آن حضرت بیان می گردد که آن مطالب کاشف از جایگاه گرانقدر حضرت موصومه ؓ می باشد. توصیف عظمت شخصیت حضرت فاطمه موصومه ؓ در کلام چهار امام معصوم ؓ در مجموعه روایات شیعی ثبت گردیده است که به ترتیب زمانی به بیان هر یک می پردازیم:

۱. امام صادق

(الف)

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَماً وَهُوَ مَكْهُولٌ وَلِرَسُولِهِ حَرَماً وَهُوَ الْمَكِينٌ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَماً وَهُوَ الْكَوْفَةُ وَلَنَا حَرَماً وَهُوَ قُمُّ وَسَدْدَنُ فِيهِ أَمْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۱

۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷؛ سفينة البحار، ج ۷، ص ۳۵۹؛ عوالم العلوم، ج

«همانا برای خداوند حرمی است و آن مکه می‌باشد و برای رسولش حرمی است و آن مدینه می‌باشد و برای امیر مؤمنان حرمی است و آن کوفه می‌باشد و برای ما حرمی است و آن قم است. بزودی در آنجا بانوی از فرزندانم که «فاطمه» نام گذارده می‌شود دفن می‌گردد پس هر که وی را زیارت کند بهشت برای او واجب می‌شود.»

(ب)

﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكْهُ أَلَا إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ أَلَا وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَهُوَ الْكُوفَةُ أَلَا وَإِنَّ حَرَمَ وُلْدِي مِنْ بَعْدِي قُمُّ أَلَا إِنَّ قُمًّ كُوفَةً صَغِيرَةً أَلَا إِنَّ لِجَنَّةِ ثَمَانِيَّةِ أَبْوَابِ ثَلَاثَةٍ [ثَلَاثَةَ] مِنْهَا إِلَى قُمَّ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ هِيَ مِنْ وُلْدِي وَاسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمِعِهِمْ﴾

بدانید که همانا برای خداوند حرمی است و آن مکه می‌باشد و برای رسول خدا حرمی است که مدینه بوده و برای امیر مؤمنان حرمی است که کوفه می‌باشد و حرم من و فرزندانم بعد از من قم می‌باشد. قم کوفه کوچک است. همانا برای بهشت هشت درب است که سه درب آن به سوی قم باز می‌شود. در آنجا بانوی از فرزندان من که نام وی فاطمه گذارده می‌شود دفن می‌گردد. شیعیانم همگی با شفاعت او به بهشت داخل می‌شوند.»

→ ۲۱، ص ۳۳۰؛ *تاریخ قم*، ص ۳۱۵.

۱. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳؛ *أعيان الشيعة*، ج ۱، ص ۲۰۷؛ این روایت در دیگر کتب روایی باندک اختلاف نقل شده است. ر. ک: بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸؛ *سفينة البحار*، ج ۲، ص ۳۷۶؛ نقض، ص ۱۹۶؛ *جامع أحاديث الشيعة*، ج ۱۲، ص ۶۱۷.

۲. امام کاظم

حضرت موسی بن جعفر^ع بعد از شنیدن جواب‌های حضرت مصصومه^ع به سوال پرسش گران در زمان عدم حضور خود در مدینه فرمود:

«فَدُاهَا أَبُوْهَا»^۱
 (پدرش به قلایش باد)

این سخن نشان از صحت و دقت پاسخ و عظمت علمی آن حضرت و محبوبیت ایشان نزد امام کاظم^ع دارد

۳. امام رضا

آن امام^ع در سه بیان متفاوت، متزلت و شأن حضرت مصصومه^ع و همچنین آثار الهی زیارت وی را بیان نموده است:

(الف)

«مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲

هر که وی [حضرت مصصومه^ع] را زیارت کند، بهشت از آن وی است!

۱. کریمه اهل بیت^ع، ص ۱۷۱. ۲. کریمة اهل البیت فاطمة بنت الإمام الكاظم^ع، ص ۷۳.

۲. ثواب الأعمال، ص ۱۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵؛ کامل الزیارات، ص ۳۲۴؛ عيون أخبار الرضا^ع، ج ۲، ص ۲۶۷؛ مستند الإمام الرضا، ج ۲، ص ۲۵۴.

(ب)

«يَا سَعْدُ عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ»

قُلْتُ: «جُعْلْتُ فِدَاكَ قَبْرًا فاطمَةٌ بِنْتُ مُوسَى؟»^۱

فَالَّذِي قَالَ: «أَنَّمَّا، مَنْ زَارَهَا غَارِفًا بِحَقْقِهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲

«ای سعد! نزد شما برای ما قبری است.»

سعد عرض کرد: فدایت شوم، قبر فاطمه دختر موسی را می فرمایید؟ فرمود: آری، هر که او را زیارت کند و عظمت شخصیت و حق وی را کاملاً بشناسد پاداش وی بهشت است.»

(ج)

امام رضا در زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه عليها السلام اوصافی برای آن بزرگ‌بانو بیان می‌فرمایند که نشان از شخصیت ممتاز وی دارد. حضرت ثامن‌الحجج در فرازی از آن زیارت‌نامه دو ویژگی مهم، یعنی «دارا بودن مقام شفاعت» و «شأن و منزلت والا نزد خداوند» را برای آن حضرت عليها السلام بیان می‌نمایند:

«يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَانًا مِنَ الشَّانِ»^۲

(ای فاطمه! درباره‌ی بهشت در قیامت شفاعتم نبا، زیرا بی تردید برای تو نزد خداوند شأن و منزلتی بسی بزرگ است.»)

۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵؛ تحفة الزائر، ص ۶۶۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷؛ كامل الزيارات، ص ۳۲۴.

(د)

«مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقُمَّ كَمَنْ زَارَنِي»^۱

«هر که حضرت مصصومه را در قم زیارت کند گویا مرا زیارت کرده است.»

۴. امام جواد

امام جواد در مقدار پاداش زیارت حضرت مصصومه و ارتباط نسبی خود با آن حضرت چنین تبیین می‌نمایند:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲

«هر که مرقد عمه‌ام را در قم زیارت نماید پاداشش بهشت است.» همانطور که ملاحظه گردید شأن و مقام حضرت مصصومه و زیارت وی چنان والا و سرنوشت‌ساز است که انسان باید با معرفت و عرفان به زیارت وی آید و از فیوضات آن درس معرفت و دیانت آموزد و بهره‌مند از آثار آسمانی سعادت‌آمیز دنیوی و آخری آن گردد.

«هر که خواهد همشینی با خدا او نشیند در حضور أولیا

۱. رياحين الشريعه، ج ۵، ص ۳۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵؛ کامل الزیارات، ص ۳۲۴.



C:\Users\Novin Pendar\Desktop\H masoomeh sar
fasl\hazrat masumeh ad copy j.jpg

حضرت فاطمه معصومه ع از روایان جلیل‌القدری است که در کتب رجال به عنوان بانوی محدث عدل به شمار آمده و بر صحت روایات وی تصریح شده است.^۱

شایان ذکر است که آن حضرت به جهت محدودیت‌هایی که وجود داشته است «قلیل الروایة» می‌باشد و در کتب روایی تنها سه حدیث از ایشان روایت شده است. روایاتی که از ایشان نقل شده است دارای یک ویژگی و یک موضوع مشترک است و آن تبیین جایگاه خاص ولایت آل محمد علیهم السلام می‌باشد که نشان از اهمیت این موضوع در سرنوشت انسان و در مجموعه معارف اسلامی و شرایط خاص آن زمان دارد.

۱. ر.ک: قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۳۳۷؛ مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۵۹۴؛ محدثات شیعه، ص ۲۵۴؛ أعيان الشیعة، ج ۸، ص ۳۹۱؛ أعلام النساء، ص ۶۷۲.

در اینجا به بیان و ترجمه‌ی آن احادیث می‌پردازیم:

۱. حدیث «ولایت» و «منزلت»

«**حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بْنُتُ عَلَىٰ بْنِ مُوسَى الْأَرْضَا حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَرَبِيعَةُ وَأُمُّ كُلُّثُومُ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قُلْنَ حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بْنُتُ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بْنُتُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَىٰ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بْنُتُ عَلَىٰ بْنِ الْحُسَيْنِ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَسُكِينَةُ أُبْتَأْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَىٰ عَنْ أُمِّ كُلُّثُومِ بْنِتِ فَاطِمَةِ بْنِتِ النَّبِيِّ ؟ عَنْ فَاطِمَةِ بْنِتِ رَسُولِ اللَّهِ وَرَضِيَ عَنْهَا قَالَتْ : أَنَسَّ يَسِيمَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمْ : مَنْ كَثُرَ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ وَ قَوْلَهُ : أَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى »^۱**

فاطمه دختر امام رضا برای ما نقل کرده است که از حضرت فاطمه معصومه و زینب و ام کلثوم دختران حضرت موسی بن جعفر نقل نموده‌اند که فاطمه دختر امام صادق و او از فاطمه و سکینه دختران ایشان از فاطمه دختر امام سجاد و او نیز از فاطمه و سکینه شنیده و نقل کرده است که آن سرور زنان جهان فرمود:

۱. عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۲۵۴؛ الغدير، ج ۱، ص ۱۹۷؛ أسمى المطالب في مناقب سيدنا على بن أبي طالب، ص ۴۹؛ أسمى المناقب، ص ۳۲؛ أعلام النساء، ص ۶۷۳؛ إحقاق الحق، ج ۲۱، ص ۲۶.

«آیا شما سخن پیامبر خدا را در روز غدیر خم فراموش کرده‌اید که فرمود: هر که من مولی و رهبر او هستم علی نیز مولی و رهبر اوست و همچنین سخن او که فرمود: «نسبت تو [ای علی] به من همانند نسبت هارون به موسی است».

۲. حدیث «حبّ آل محمد»

«عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ جَعْفَرٍ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيٍّ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلَيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ عَلَيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه وآله وسلامه :

«أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا!»

از حضرت مصصومه عليها السلام نقل شده است که او از فاطمه دختر امام صادق عليه السلام و وی از دختر امام باقر عليه السلام و او از فاطمه دختر امام سجاد عليه السلام و ایشان از فاطمه دختر امام حسین عليه السلام و او از حضرت زینب دختر امیر مؤمنان عليه السلام و ایشان از حضرت زهرا عليها السلام شنیده و نقل کرده است که آن

۱. عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۵۵؛ آثار الحجۃ، ج ۱، ص ۸ و ۹؛ اللولو الثمیة، ص ۲۱۷. شایان توجه است که این روایت دارای طرق و اسناد صحیح دیگری نیز می‌باشد. ر.ک: کشف الغمة، ج ۱، ص ۱۰۷؛ جامع الأخبار، ص ۱۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۳۳ و ج ۲۷، ص ۱۱۱ و ج ۶۵، ص ۱۳۷؛ الطراف، ج ۱، ص ۱۵۹؛ فضائل الخمسة من الصحاح السنّة، ج ۲، ص ۷۸، بشارة المصطفى، ج ۲، ص ۱۹۷.

حضرت بيان داشت:

«پیامبر خدا فرمود: آگاه باشید، هر که با دوستی خاندان پیامبر بمیرد او شهید از دنیا رفته است.»

۳. حدیث «معراج»

حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بْنَتُ عَلَيْهِ الْمُسْكَنُ مُوسَى الْأَرْضَا قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَزَيْنَبُ وَأُمُّ كُلُومْ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قُلْنَ حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بْنَتُ مُحَمَّدٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بْنَتُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيْهِ الْمُسْكَنُ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بْنَتُ عَلَيْهِ الْمُسْكَنُ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَسُكِينَةُ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَيْهِ الْمُسْكَنُ عَنْ أُمِّ كُلُومْ بْنَتِ عَلَيْهِ الْمُسْكَنُ فَاطِمَةَ بْنَتِ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ لَمَّا أُمْرِيَ بِإِلَيِّ السَّيَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرٍ مِنْ دَرَّةٍ يَضَاءُ مُجَوَّفَةً وَعَلَيْهَا بَابٌ مُكَلَّلٌ بِالدُّرِّ وَالْأَلْأَقْوَتِ وَعَلَى الْبَابِ سِرْفَرٌ قَرَفَتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى الْبَابِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَيْهِ وَلِلْقَوْمِ وَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى السِّرْبَخَ بَحْرٌ مِنْ مِثْلِ شِيعَةِ عَلَيْهِ الْمُسْكَنِ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرٍ مِنْ عَقِيقٍ أَخْرَ مُجَوَّفٍ وَعَلَيْهِ بَابٌ مِنْ فِضَّةٍ مُكَلَّلٌ بِالزَّيْرِ جَدُ الْأَخْضَرِ وَإِذَا عَلَى الْبَابِ سِرْفَرٌ قَرَفَتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى الْبَابِ: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَصَلَوةُ الْمُضْطَفِي وَإِذَا عَلَى السِّرْبَخِ مَكْتُوبٌ: شِيعَةُ عَلَيْهِ الْمُؤْلِدِ فَدَخَلْتُهُ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرٍ مِنْ زُمْرَدٍ أَخْضَرَ مُجَوَّفٍ لَمَّا رَأَيْتُ أَخْسَنَ مِنْهُ وَعَلَيْهِ بَابٌ مِنْ يَاقُوتٍ حَمَراءٌ مَكَلَّلٌ بِاللُّؤْلُؤِ وَعَلَى الْبَابِ سِرْفَرٌ قَرَفَتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى السِّرْبَخِ: شِيعَةُ عَلَيْهِ هُمُ الْفَائِرُونَ.

فَقُلْتُ: حَسِيبِي جَبْرِيلُ! لِمَنْ هَذَا؟ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ: لِأَنِّي عَمُوكَ وَوَصِيلُكَ عَلَيْهِ

بَنْ أَيْ طَالِبٍ يُخْسِرُ النَّاسُ كُلُّهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُفَّاءً إِلَّا شِيعَةُ عَلَيٌّ وَيُدْعَى
النَّاسُ بِأَسْمَاءِ أُمَّهَاتِهِمْ مَا حَلَّ شِيعَةً عَلَيٌّ فَإِنَّهُمْ يُدْعَوْنَ بِأَسْمَاءِ آبَاءِهِمْ فَقُلْتُ
حَسِيبِي جَبَرِيلُ اَوْ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّهُمْ أَحَبُوا عَلَيَا فَطَابَ مَوْلَدُهُمْ^۱

فاطمه فرزند امام رضا از حضرت فاطمه معصومه و زینب و ام کلثوم دختران امام کاظم نقل کرده است که ایشان از فاطمه دختر امام باقر و او از فاطمه دختر امام سجاد و او نیز از فاطمه دختر امام حسین و وی از ام کلثوم دختر امیر مؤمنان و ایشان از حضرت زهرا نقل می کند:

«از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود:

آنگاه که مرا به سوی آسمانها شبانه حرکت دادند وارد پهشت شدم ناگاه خود را در کنار کاخی از مرواریدهای سپید تو خالی دیدم. آن قصر دارای دربی سراسر هزین به مروارید و یاقوت بود و بر آن پرده‌ای قرار داشت؛ چون سر خود را بالا بردم دیدم بر آن درب نوشته شده است:

«هیچ معبدی جز خداوند نیست. محمد پیامبر خداست و علی امام امّت می باشد.»

و همچنین بر آن پرده نگاشته شده بود:

«آفرین آفرین بر شیعیان علی»

سپس داخل آن قصر شدم، خود را در کنار قصری از عقیق سرخ

۱. عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۷۶؛ أعلام النساء،

ص ۱۴۰؛ المحضر، ص ۶۷۴.

میان‌تهی دیدم که بر آن دربی از طلای سراپا مزین به زبرجد سبز رنگی بود
[و] بر آن درب پرده‌ای قرار داشت. نگاه به بالا کردم دیدم که بر آن درب
نوشته شده است:

«محمد پیامبر خداست و علی جانشین مصطفی می‌باشد.»

بر آن پرده نیز چنین نگاشته شده بود:

«به شیعیان علی مژده‌ی طهارت و پاکیزه‌گی ولادت ده.»

چون داخل آن قصر شدم خود را در کنار قصر دیگری از زُمرد سبز
میان‌تهی دیدم که تاکنون زیباتر از آن ندیده بودم. بر آن دربی از یاقوت قرمز
بود که سراسر مزین به مروارید و یاقوت بود و بر آن پرده‌ای قرار داشت.
سر خود را بالا بردم بر آن نوشته شده بود:

«شیعیان همانان هستند که رستگار و پیروزند.»

پس گفتم: ای دوست گرامی! ام جبرئیل! اینها همه از آن کیست؟

بیان داشت:

ای محمد! برای پسر عموم و جانشینت علی بن أبي طالب است. تمامی
مردم به جز شیعیان علی در روز قیامت عربیان و پاپرهنه محشور می‌گردند.
مردمان به نام مادرشان خوانده می‌شوند مگر شیعیان علی که آنان
[منسوب] به نام پدرشان خوانده می‌شوند.

پیامبر به جبرئیل فرمود:

دوست گرامی ام جبرئیل! چرا اینگونه است؟

عرض کرد: زیرا آنان علی را دوست دارند بنابراین حلالزاده‌اند.»

الله
محمد
رسول
الله

ألقاب و أوصاف

حضرت معصومه علیها السلام دارای اوصاف و فضائل بسیاری است که برخی از آنها که در متون فاخر دین آمده است و هم‌اینک در آنباره سخن می‌گوئیم:

۱. معصومه

«معصومه» به معنای بانوی است که دارای عصمت بوده و در اوج پیراستگی از رذائل صفاتی و لغزش‌ها رفتاری است.

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهم السلام این وصف و لقب را برای حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بیان فرموده‌اند:

«مَنْ زَارَ الْمُعْصَومَةَ يُقْمَ كَمَنْ زَارَنِي»^۱

«هر که [حضرت] معصومه را در قم زیارت کند گویا مر از زیارت کرده است.»

۲. شفیعه

«شفیعه» به معنای بانوی است که دارای مقام شفاعت می‌باشد و

۱. ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸.

آن را برای برخی در دنیا و بهویژه در آخرت اجرا می‌نماید. حضرت فاطمه معصومه عليها السلام به تصریح امام رضا عليه السلام از شخصیت‌های ممتاز و برجسته‌ای است که دارای مقام شفاعت می‌باشد. آن حضرت در زیارت‌نامه‌ی آن بزرگ‌بانو فرموده است:

إِلَيْكُمْ أُنْذِرْتُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَانًا مِنَ الشَّانِ^۱

«ای فاطمه، مرا برای کسب بهشت شفاعت فرماد؛ زیرا نزد خداوند برای تو منزلتی عظیم از شئون الهی است.»

وجود مبارک حضرت فاطمه معصومه عليها السلام در دنیا الگویی برای هدایت و در آخرت مایه‌ی شفاعت است که یکی از آثار این شفاعت نجات از عذاب وحشت‌زای قیامت است.

«آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند»
 مرحوم محمد قمی بیان داشته است که در عالم رؤیا مرحوم میرزای قمی را دیدم. از ایشان سوال کردم: آیا حضرت معصومه عليها السلام اهل قم را شفاعت خواهد کرد؟ میرزای قمی با تندی پرسید: چه گفتی؟! من سوال خود را دو بار دیگر تکرار کردم. ایشان فرمود: شفاعت اهل قم با من

۱. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۶۷، کامل الزیارات، ص ۳۲۴؛ تحفة الزائر،

است. حضرت مصصومه علیها السلام تمام شیعیان عالم را شفاعت خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

«أَلَا إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكْهُ، أَلَا إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ
الْمَدِينَةُ، أَلَا إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ أَلَا إِنَّ حَرَمِيْ وَ
حَرَمَ وُلْدِيِّ مِنْ بَعْدِي قُمُّ أَلَا إِنَّ قُمَّ كُوفَةً صَغِيرَةً أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَّةَ
أَبْوَابٍ تَلَاثُ [ثَلَاثَةَ] مِنْهَا إِلَى قُمَّ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ هِيَ مِنْ وُلْدِيِّ وَ
اسْمُهَا فَاطِمَةُ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِاجْتِمَاعِهِمْ»^۱

«همانا برای خداوند حرمی است و آن مکه است و بدانید که برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است و آگاه باشید که برای امیر مؤمنان حرمی است و آن کوفه میباشد. بدانید و آگاه باشید که قم کوفه‌ی کوچک است. آگاه باشید که همانا برای بهشت هشت درب است که سه تای آن به سوی قم است. در آن شهر بانوی از تبار من وفات میکند اسم وی فاطمه است و با شفاعت او تمامی شیعیان من وارد بهشت میشوند.»

امام رضا در زیارت‌نامه‌ی شریف آن حضرت می‌فرماید:

«يَا فَاطِمَةُ اشْقَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ»^۱

«ای فاطمه، مرا درباره‌ی دستیابی به هشت شفاعت نهاد؛ زیرا برای تو نزد خداوند شان و منزلتی از شؤون الهی می‌باشد.»

۹. کریمه‌ی اهل بیت

یکی از اوصاف عالیه‌ی حضرت فاطمه موصومه که مشهور بوده و به عنوان یکی از القاب آن حضرت مطرح می‌باشد «کریمه‌ی اهل بیت» است. واژه‌ی «کریمه» به معنای بانوی است که بزرگ و بزرگوار بوده و دارای روحیه‌ی جود و سخاوت فراوان می‌باشد.

در میان خاندان پیامبر گرامی اسلام دو نفر به این عنوان در میان عموم مردم زبانزد می‌باشند:

۱. امام حسن مجتبی (کریم اهل بیت)

۲. حضرت فاطمه موصومه (کریمه‌ی اهل بیت)

شایان ذکر است که این لقب توسط حضرت امام باقر یا امام صادق به حضرت فاطمه موصومه داده شده است. مرحوم آیت الله سید محمود مرعشی نجفی پدر بزرگوار حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی بعد از مداومت به اذکار و توصل

۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷؛ کامل الزیارات، ص ۳۲۴؛ تحفة الرائز، ص ۶۶۶.

به أهل بيت ﷺ به مدت چهل شب و تقاضای بسیار برای کشف و رؤیت مرقد مطهر و بی‌نام و نشان حضرت فاطمه زهرا ؑ در عالم مکاشفه یکی از دو امام باقر یا امام صادق ؑ را مشاهده می‌نماید. بعد از اظهار تقاضای خود، آن حضرت می‌فرماید:

«عَلَيْكَ بِكَرِيمَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ»^۱

«بر تو باد زیارت کریمه‌ی اهل بیت ؑ»

او گمان می‌کند که مراد از «کریمه‌ی اهل بیت ؑ» حضرت زهرا ؑ است به همین جهت عرض می‌کند جانم فدای شما من برای شناخت مکان دفن ایشان این اذکار و توصل انجام داده‌ام تا اینکه مکان مرقد وی را بدانم. آن حضرت برای توضیح می‌فرماید: بنا نیست قبر مخفی حضرت زهرا ؑ تا ظهور حضرت حجه بن الحسن «روحی فداء» معلوم شود و خلاف وصیت ایشان عمل گردد؛ مراد من از کریمه‌ی اهل بیت ؑ حضرت فاطمه معصومه ؑ در قم است.

الله اکبر
لهم صلی
لهم افرغ

کرامات

واژه‌ی «کرامت» در لغت به معنای بزرگی ورزیدن، سخاوت و داد و دهش است، مانند:

«ای صاحب کرامت شکرانه‌ی سلامت

روزی تقدیم کن درویش بی‌نوار»

همچنین به معنای ارجمندی و عزت نیز می‌باشد، مانند:

«نه هر کس سزاوار باشد به صدر

کرامت به فضل است و رتبت به قدر»

یکی دیگر از معنای این واژه آفرینش امور خارق العاده و فراتر از قدرت و شرایط طبیعی و عادی انسان است و به تعبیر اهل عرفان یک نوع «ولایت تکوینی» می‌باشد، مانند:

«بیا ای موسمی کز کف عصا سازی تو افعی را

به فرعونان خود بنها کرامت‌های موسی را»

و فرق آن با معجزه آن است که معجزه برای اثبات نبوت و امامت است ولی کرامت چنین نیست. یکی از ویژگی‌ها و آثار مهم و فضائل اولیای خداوند دارا بودن این خصوصیت در دو زمان حیات و پس از مرگ است.

شایان توجه است که کرامات حضرت مucchوصومه ﷺ بارها و به اخبار متواتر و با مشاهدات فراوان ثابت شده است. هم‌اینک به بیان اندکی از دریای کرامات آن حضرت می‌پردازیم:

۱. عنایت به زوار

آیت الله نجفی مرعشی ره حکایت کرده است که شب سرد زمستانی بود، در عالم خواب دیدم خانمی وارد اتاق شد. قیافه‌ی آن بانوی گرامی را به خوبی دیدم ولی آن را توصیف نمی‌کنم، فرمود: «سید شهاب بلند شو و به حرم برو. عده‌ای از زوار من پشت در حرم از سر ما هلاک می‌شوند. آنان را نجات بده».

من به طرف حرم راه افتادم. دیدم پشت درب شمالي حرم عده‌ای زوار پاکستانی یا هندوستانی در اثر سردی هوا به خود می‌لرزند. درب را زدم حاج آقا حبیب خادم حرم با اصرار من در را باز کرد. من جلو و آنها نیز پشت سر من وارد حرم شدیم.»

همچنین یکی از خدام و کلید داران حرم حضرت مucchوصومه ﷺ

نقل کرده است:

«شبی از شب‌های سرد زمستانی در خواب حضرت مصصومه

را دیدم که فرمود:

«بلند شو و بر سر مناره‌ها چراغ روشن کن.»

من از خواب بیدار شدم ولی توجهی نکردم. مرتبه‌ی دوم همان خواب

تکرار شد و باز بی توجهی کردم. در مرتبه‌ی سوم حضرت فرمود:

«مگر من نمی‌گویم بلند شو و بر سر مناره چراغ روشن کن.»

از بستر خواب بلند شدم بدون آنکه علت آن را بدانم در نیمه شب

بالای مناره رفته و چراغ را روشن کردم و برگشته و خوابیدم. صبح

از خواب بلند شدم و درهای حرم را باز کردم و بعد از طلوع آفتاب

از حرم بیرون آمدم و با دوستانم کنار دیوار و زیر آفتاب زمستانی

نشسته و صحبت می‌کردیم که متوجه صحبت چند نفر زائر شدم که

به یکدیگر می‌گفتند:

«معجزه و کرامت این خانم را دیدید! اگر دیشب در این هوای

سرد و با این برف زیاد چراغ مناره‌ی حرم این خانم روشن نمی‌شد

ما هرگز راه را نمی‌یافتیم و در بیابان هلاک می‌شدیم.

«چراغ صاعقه‌ی آن سحاب روشن باد

که زد به خرمن ما آتش محبت او»

۲. بینایی و توانایی الهی

بعد از رحلت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری علیه السلام مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم مدتدی زمام امور حوزه به دست آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر علیه السلام قرار گرفت و شهریه‌ی طلاب به عهده‌ی او بود. ایشان فرموده‌اند: در یکی از ماه‌های سال پولی نداشم که به طلاب شهریه دهم، در ماه اول قرض کردم و شهریه را دادم. ماه دوم نیز این‌گونه شد و قرض کردم و شهریه را پرداخت نمودم. ماه سوم دیگر جرأت قرض کردن نداشم و شهریه ندادم. طلاب به خانه من آمدند اظهار نیاز نمودند. طلاب عزیز بسیار ناراحت و نگران بوده و از وضعیت پیش‌آمده برای خود و همچنین برای من بسیار متأثر بودند و من نیز در این موضوع اندوهگین گشته و گریان شدم. شب‌هنگام تا سحر خوابم نبرد به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشترف شدم، بعد از ادای نماز صبح و تعقیبات مرسوم با حالت ناراحتی از مسائل روز گذشته که در نظرم جلوه می‌کرد و مرا می‌آزد کنار ضریح آن حضرت آمدم و با ناراحتی به ایشان خطاب کردم و گفتم: عمه‌جان این رسم نیست که عده‌ای طلاب غریب و همسایه‌ی شما از گرسنگی جان دهند. این درست نیست اگر «عرضه نداری» به برادر بزرگوارت حضرت امام علی بن

موسى الرضا علیه السلام یا به جدّت امیرالمؤمنین علیه السلام متول شو.
خدا حافظ. وی می‌گوید: آن را گفتم و به حالت قهر و
عصبانیت از حرم بیرون آمدم. در درون منزل با حالت اندوه و غم
نشسته و از وضعیت دیروز طلاق سخت ناراحت بودم. در همین اوان
پیشخدمت منزل (کربلایی محمد) داخل شد و گفت: فردی با چمدانی
در دست می‌گوید: می‌خواهم همین الان خدمت آقا مشرف شوم و وقت
دیگری ندارم که موقع دیگر بیایم.

حضرت آیت‌الله صدر می‌گوید: به او گفتم بگو بیاید.
مردی موّرق و مشخص با کلاه شاپو بر سر و چمدانی در دست
وارد شد. سلام کرد و عذرخواهی نمود و گفت: بیخشید بی موقع
خدمت شما شر فیاب شدم غیر از این وقت فرصت دیگری نداشتم.
بیان داشت که من مسافرم و به سمت تهران با اتوبوس عزیمت
می‌کنم وقتی به نزدیکی قم رسیدم نگاهم به گند حضرت مصصومه
علیه السلام افتاد ناگهان به فکرم رسید من با آتش و باد مسافت می‌کنم و مالم
هر لحظه احتیال خطر است. اگر پیشامدی رخ دهد و من بمیرم و مالم
تلف شود و دین خدا و امام علیه السلام برگردانم بیاند چه خواهم کرد.
بدین جهت وقتی به قم رسیدم از راننده مهلت گرفتم که مقداری
معطل شود، مسافرین هم به زیارت بروند و من هم خدمت شما

رسیدم تا خس خود را پرداخت نمایم.

اموال و وجوهات شرعی ایشان محاسبه شد و پرداخت نمود و با آن تمامی مشکلات حل شد مرحوم آیت الله صدر می‌گوید: سریعاً به زیارت حضرت موصومه ﷺ رفتم و اظهار تشکر نمودم و گفتم: «عمه جان بحمد الله خوب عرضه داری.»

«من که دارم در گدائی گنج سلطانی به دست
کی طمع در گردش گردون درون پرور کنم»

۳. عنایت به گرسنگان

مرحوم حضرت حاج شیخ علی نظری بعد از مراجعت از نجف به قم در مدرسه «خان» اقامت گزید. ایشان نقل می‌کند که در ایامی وضعیت مالی من به شدت دچار مشکل شد به طوری که نمی‌توانستم غذا بخرم. گرسنگی شدیداً بر من فشار می‌آورد تا جایی که ناگزیر بودم پاهایم را جمع کنم و در بغل بگیرم تا احساس گرسنگی نکنم. در این دوران سخت، شبی فرد خیزی از آهالی قم ضیافت باشکوهی در منزل خود برگزار می‌کند و وقتی مهمان‌ها می‌روند و او استراحت می‌نماید، در عالم رویا خدمت حضرت موصومه ﷺ می‌رسد. آن حضرت بر ایشان تغییر کرده و اظهار ناراحتی می‌کند و می‌فرماید که شما خودتان و مهمان‌هایتان سیر شدید و به خواب رفته ولی آقای

حاج شیخ علی در مدرسه «خان» از گرسنگی خوابش نمی‌برد. ایشان می‌گوید از خواب برخاستم و زود غذایی برداشته و به مدرسه خان رفتم. حجره‌ی حاج شیخ علی را پیدا کردم، غذا را به وی دادم و همچنین هر ماه نیز شهریه‌ای به آن روحانی گران‌قدر در نظر گرفتم و پرداخت نمودم.

۴. شفای خادم حرم

یکی از خدام حضرت مصصومه به نام میرزا اسدالله به سبب ابتلاء به یک نوع بیماری خاص انگشتان پایش سیاه شده بود. همگی جراحان اتفاق نظر داشتند که باید آن انگشتان بریده شود تا آن بیماری به اندام بالاتر سراحت نکند. در شب آن روزی که می‌خواستند وی را جراحی کنند او از نزدیکان خود تقاضا کرد تا وی را به حرم مطهر حضرت فاطمه مصصومه برنده‌ی تمام آن شب کنار ضریح نورانی آن حضرت باشد. او در آن شب از درد ناله می‌کرد و به آن حضرت توسل می‌جست. در نزدیکی صبح ناگهان صدای میرزا اسدالله شنیده شد که می‌گفت: درب را باز کنید حضرت مرا شفا داد. درب را که باز کردن او را خوشحال و خندان یافتند. وی گفت: در عالم خواب خانم مجده‌ای به نزد من آمد و فرمود: چه شده است؟ عرض کردم این بیماری مرا عاجز کرده است و از خدا شفای دردم و

يا مرگم را خواسته‌ام. آنگاه آن حضرت گوشی مقنعه‌ی خود را چند بار بر روی پایم کشید و فرمود: «تو را شفا دادیم.»

عرض کردم: شما کیستید؟

فرمود: مرانمی‌شناسی و حال آنکه خادمی مرا می‌کنید!

من «فاطمه دختر موسی بن جعفر» هستم.

میرزا اسدالله بعد از بیداری مقداری پنه در اطراف خود یافت.

آنها را جمع نمود و با خود برد. ایشان به هر مریضی اندکی از آن پنه‌ها می‌داد و آن بیهار آن را به محل درد می‌کشید بی‌درنگ شفا می‌یافت.^۱

۵. شفای غریب

بعد از فروپاشی شوروی سابق و آزاد شدن جمهوری‌های مسلمان‌نشین، مردم نج giovان عده‌ای از جوانان خود را به حوزه‌ی علمیه قم فرستادند تا با آشنا شدن به معارف اسلام توان تبلیغ آن را در منطقه‌ی خود دارا گردند. تعداد پنجاه نفر انتخاب گردیده و به قم اعزام می‌شوند. در این میان جوانی بود که به جهت معیوب بودن یکی از چشمانش در مرحله‌ی پذیرش حوزه انتخاب نشده بود ولی به جهت اصرار بسیار پذیرفته شده و به قم اعزام می‌گردد. به هنگام بدرقه، فیلمبردار مراسم از صورت این جوان و چشم معیوبش

۱. أنوار المشعشعين، ج ۱، ص ۲۱۶.

تصویر بر جسته‌ای گرفته و به نمایش می‌گذارد. این جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت شده و دلشکسته می‌گردد. وقتی کاروان به قم می‌رسد و آنان در مدرسه‌ی خود قرار می‌گیرند این جوان به حرم مشرف شده و با اخلاص تمام متولی به حضرت مصصومه ﷺ می‌شود در همان حال خوابش می‌برد. در خواب عوالمی را مشاهده می‌کند و بعد از بیداری متوجه می‌شود چشم او سالم و بی‌عیب است. دوستانش با دیدن وی و موقع این کرامت همگی به حرم مشرف شده و ساعتها مشغول دعا و توسل می‌شوند.

۶. بارگاه شفا

یکی از آهالی مشهد سال‌ها به بیماری فلنج مبتلا بود. او می‌گوید: برای مداواه مهه کار کردم. نزد اطبای مشهد و تهران رفتم مرا حل مختلف درمان را طی کردم ولی فایده‌ای نداشت. به حرم حضرت رضا ﷺ رفتم و دعا خواندم و توسل کردم جوابی نشنیدم. روزی خانواده، مرا با ویلچر به حرم آن امام رؤوف بردند. گفتمن: آقا شما غیرمسلمانان را محروم نمی‌کنید پس چرا به من شیعه توجه نمی‌فرمایید؟ آقا جوابم را بده یا می‌روم قم به خواهertan شکایت می‌کنم و او را واسطه قرار می‌دهم آنگاه خطاب به حضرت مصصومه ﷺ عرض کردم من همسایه‌ی برادر شما هستم و فردی عائله‌مندم و

در عمر خود خیانتی نکردم و در حد توان درستکار بودم چرا ایشان
مرا شفای نمی‌دهند؟ در عالم خواب خانمی را دیدم به من فرمود: شما
باید به قم بیایی تا شفایت دهم. عرض کردم شما که به خانمی ما
آمدی و میهان ما هستی همینجا شفایم بده من پولی ندارم که به قم
بیایم. فرمود: شما باید به قم بیایی. خوابم را برای همسر و فرزندانم
نقل کردم. بعد از مدتی پسرم گفت: پدر! ما که همهی دارایی خود را
در راه معالجهی شما خرج کردیم، من مبلغی را آماده کردام. این را
خرج سفر کنید و به قم بروید، امیدوارم که شفا پیدا کنید. من راهی
قم شدم. پس از رسیدن به قم وضو گرفتم و وارد حرم شدم. از دو
نفر تقاضا کردم زیر بعلم را بگیرند و کنار ضریح ببرند. بعد از
زیارت و توسل بسیار در کنار ضریح به محل اسکان خود رفتم، پتو را
به سر کشیدم و خوابم برد. در عالم خواب خانمی را دیدم با چادر
مشکی و روپندی سبزرنگ به من فرمود:

«پسرم خوش آمدی اکنون شفا یافته برحیز، تو هیچ بیماری نداری.»
عرض کردم من بیمار و زمین گیرم. ایشان یک پیاله‌ی گلی پر از چای
را به دست من داد و فرمود: بخور! من چای را خوردم ناگهان از خواب
بیدار شدم، دیدم می‌توانم روی پای خود بایستم از جا برخاستم و سریعاً
خود را به ضریح مقدس آن کریمه‌ی اهل بیت ﷺ رساندم.

«باید غبار صحن تو را طوطیا کنند

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند»

۷. درمان دردها

حضرت آیت الله العظمی اراکی ؑ نقل کرده‌اند: آقا سید کمال از کمر تا پایین فلچ بود. یکی از اطرافیان مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری ؑ به نام آقا سیف به او گفته بود: اگر تو سید بودی شفای خود را از حضرت موصومه ؑ تاکنون گرفته بودی. آقا سید کمال وقتی این حرف را می‌شنود بسیار ناراحت می‌شود. به کمک کسی به حرم حضرت موصومه ؑ مشترف می‌شود و پای ضریح می‌نشیند و خطاب به آن حضرت می‌گوید: از اینجا نمی‌روم تا شفای مرا بدھید. بعد از مدتی می‌بیند کسی به او می‌گوید: بلند شو. عرض می‌کند: نمی‌توانم برخیزم. آن شخص دوباره به او می‌گوید: بلند شو این کاغذ را هم به آقا سید حسین تاجر^۱ بده. او بلند می‌شود و می‌بیند کاغذی در دست اوست. دست خود را از ترس اینکه مبادا آن کاغذ مفقود شود باز نمی‌کند و

۱. وی از تجارت بالیان و پارسای قم بوده است. حضرات آیت الله العظمی حائری و نجفی مرعشی دربارهٔ محتواهی آن نامه از وی پرسیده بودند و او بیان داشته است که اجازه ندارم بگویم.

فوراً در خانه‌ی آقا سید حسین رفته و بدون آنکه بفهمد که در کاغذ
چه چیزی نوشته شده است آن را به او می‌دهد.

۸. سفارش به خواهر

مرحوم آیت‌الله حسنعلی تهرانی ره از عالیان بزرگوار و از
شاگردان مرحوم آیت‌الحق میرزا شیرازی ره بود. برادر وی به او
بسیار کمک می‌کرد و خارج تحصیل او را فراهم می‌آورد و از تهران
به سامرا می‌فرستاد. بعد از پایان دوره‌ی تحصیل آیت‌الله حسنعلی
تهرانی ره به مشهد می‌آید و در آن جا ساکن می‌شود. پس از چندی
برادر وی رحلت می‌کند و او نمی‌تواند خود را به تشییع جنازه‌ی
برادرش در قم برساند به همین جهت به حرم حضرت ثامن‌الحجج
امام رضا ع می‌رود و از آن امام رؤوف تقاضا می‌کند که به قم
بروند و به خواهرشان سفارش برادرش را بنایند. بعد از این جریان
یکی از شاگردان حاج حسنعلی تهرانی ره خواب می‌بینند که در عالم رؤیا
به قم مشرف شده و به حرم حضرت معصومه علیها السلام رفته است. خدام
حزم مردم را کنار می‌زنند و می‌گویند:

حضرت رضا ع به قم تشریف آورده‌اند می‌خواهند سفارش برادر
حاج شیخ حسنعلی ره را به خواهرشان حضرت معصومه علیها السلام بنایند.

«شاهها من آر به عرش رسانم سریر فضل

ملوک آن جنابم و مسکین این درم

گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر

آن مهر را بركه افکنم و آن دل کجا برم

نامم ز کارخانه‌ی عشاق محو باد

گر جز محبت تو بود ذکر دیگرم»

۹. نجات از سیل ویرانگر

در وسط شهر قم رودخانه‌ای جریان دارد که آب‌های باران از مرکز ایران در آن جاری است. این رودخانه در کنار حرم کریمه‌ی اهل بیت حضرت مصصومه است.

یک سال سیل عظیمی در این رودخانه ایجاد شد؛ به طوری که آب آن تا لبه‌ی دیواره‌های اطراف رودخانه رسید و مردم به شدت نگران و مضطرب بودند؛ زیرا اگر سیل به اطراف سرازیر می‌شد حرم حضرت مصصومه و بسیاری از خانه‌ها، بازارها و مراکز دیگر ویران می‌شد. در این بحران به یکباره مشاهده شد که دستی نمایان گردید و اشاره به سیل نمود. آب آرام گرفت و به سمت دیگر رفت.

«روزی که سیل «سیمره»^۱ از رود ناربار^۲

آمد به شهر قم ز قضایای روزگار

دانی که کرد دفع بلا را از این دیار

معصومه عليها السلام بود دختر موسی سرفراز»

۱۰. احیای جنین

مرحوم حضرت آیت الله شب زنده دار بیان فرموده بودند که عمومی من (مرحوم حاج قبیر) همسر شان حامله می‌گردد و بعد از مدتی متوجه می‌شود که جنین حرکت ندارد. نزد پزشکان می‌رود و آنان بعد از معاینات متعدد می‌گویند: جنین بدون حرکت بوده و باید با عمل جراحی به بیرون از رحم منتقل شود. با توجه به اینکه علاقمند به دارا بودن فرزند بوده و عمل برای آن بانو سخت و گران بوده است تصمیم می‌گیرند که برای شفا و حل مسأله به مشهد مقدس مشرف شوند و از حضرت رضا علیه السلام رفع مشکل را طلب کنند. آنان حرکت می‌کنند تا به قم می‌رسند. آن بانو می‌گوید من برای زیارت حضرت معصومه عليها السلام به آستان مقدس وی رفتم. به محض ورود به آن آستان آسمانی جنین در

۱. «سیمره» ناحیه‌ای است در بخش مرکزی ایران است که به آن «تیمره» نیز گفته می‌شود. این ناحیه کانون تجمع آب‌های مرکزی ایران است.
۲. «ناربار» رودخانه معروف منطقه قم است که به دریاچه نمک می‌رسد.

رحم من شروع به حرکت کرد.

و این موارد اندکی از دریای بی کرامات آن حضرت بوده که
نشان از بزرگی عرشی آن بانو دارد.

«هزار مرتبه شویم دهان به مشک و گلاب

هنوز نام تو بردن کمال بی ادبی است»

حَمْدُ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ

C:\Users\Novin Pendar\Desktop\H ma:
fasl\hazrat masumeh zs copy j.jpg

زیارت نامه و ثواب

زیارت آن

حضرت مصصومه دارای سه زیارت نامه است که در این کتاب تنها به بیان زیارت نامه‌ی مشهور و مرسوم آن حضرت که امام بزرگوار حضرت رضا آن را بیان فرموده‌اند می‌پردازیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى أَدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيفَيِّ
اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ النَّبِيِّنَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصَيْيَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سَبْطَيِّ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيِّ شَبَابِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَيَّ بْنَ الْحُسَينِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ وَ قُرَّةَ عَيْنِ
النَّاظِرِيْنَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلَيٍّ بَاقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ الْبَارَ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ
جَعْفَرِ الطَّاهِرِ الطَّهْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلَيِّ التَّقِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَيَّ بْنَ مُحَمَّدِ التَّقِيِّ
النَّاصِحِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلَيِّ السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ
بَعْدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَ سَرَاجِكَ وَ وَلِيَّ وَلِيَّكَ وَ وَصِيَّ وَصِيَّكَ وَ

حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بُنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 بُنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بُنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بُنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بُنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بُنْتَ مُوسَى
 بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بِيَتَنَا وَبَيَنَكُمْ فِي
 الْجَنَّةِ وَحَشَرَنَا فِي زُمْرَقِكُمْ وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَسَقَانَا بِكَأسِ
 جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِيَنَا
 فِيْكُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ وَأَنْ يَجْمِعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٌ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْ لَا يُسْلِبَنَا مَعْرِفَتُكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ أَنْتَرَبُ إِلَيْهِ بِحُبِّكُمْ
 وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَتَسْلِيمٌ إِلَيْهِ رَاضِيًّا بِهِ غَيْرُ مُنْكِرٍ وَلَا مُسْتَكِيرٍ
 وَعَلَى يَقِينِي مَا أَتَيَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ نَطَّلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي
 اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ يَا فَاطِمَةَ أَشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّكَ عِنْدَ
 اللَّهِ شَانٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتَمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي
 مَا أَتَانِي فِيهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَ
 تَقْبِلْهُ بِكَرْمَكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَّتِكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به نام خداوند بخششده مهربان

«سلام بر آدم بر گزیده‌ی خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم
 دوست خدا، سلام بر موسی هم‌سخن خدا، سلام بر عیسی روح خدا،
 سلام بر توای رسول خدا، سلام بر توای بهترین آفریده‌ی خدا، سلام بر تو
 ای بر گزیده‌ی خدا، سلام بر توای محمد بن عبد الله خاتم پیامبران، سلام بر
 توای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب، جانشین رسول خدا، سلام بر توای
 فاطمه سرور بانوان جهان، سلام بر شایای دو فرزندزاده‌ی پیامبر رحمت، و
 دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر توای علی بن الحسین، سرور
 عبادکنندگان، و روشنی چشم بینندگان، سلام بر توای محمد بن علی،
 شکافندۀ دانش پس از پیامبر، سلام بر توای جعفر بن محمد، راستگوی
 نیکوکار امین، سلام بر توای موسی بن جعفر، امام پاک و پاکیزه، سلام بر
 توای علی بن موسی الرضا، امام پستدیده، سلام بر توای محمد بن علی
 پرهیزگار پارسا، سلام بر توای علی بن محمد پاکسرشت و اندرزگوی
 امین، سلام بر توای حسن بن علی، سلام بر وصی پس از او. خدایا درود
 فرست بر نورت، و چراغت، و نهاینده‌ی نهاینده‌ات، و جانشین جانشینت،
 حجّت بر آفریدگانت. سلام بر توای دختر رسول خدا، سلام بر توای
 دختر فاطمه و خدیجه، سلام بر توای دختر امیر مؤمنان، سلام بر توای
 دختر حسن و حسین، سلام بر توای دختر ولی خدا، سلام بر توای خواهر
 ولی خدا، سلام بر توای عمه‌ی ولی خدا، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو
 ای دختر موسی بن جعفر، سلام بر تو، خدا بین ما و شما در بهشت [آشنایی]

ایمانی نجات‌بخش] برقرار کند، و در میانتان مشورمان دارد، و بر حوض پیامبران وارده‌ان نماید، و به ما با جام جدتان، از دست علی بن أبي طالب بنو شاند. درودهای خدا بر شما باد، از خدا خواستارم که به ما درباره‌ی شما خوشحال و گشایش بنایاند، و ما و شما را در امت جدتان محمد [درود خدا بر او و خاندانش] گرد آورد، و معرفت شما را از ما باز نگیرد، به راستی او سرپرستی توانست. به درگاه خدا با دوستی شما، و بیزاری از دشمنان، و تسلیم بودن به خدا، تقریب می‌جویم، در حال خشنودی به آن، نه با انکار و تکبر؛ بلکه بر پایه‌ی یقین به آنچه محمد آورده، و به آن خشنودم، با این امور رضایت تو را می‌خواهم ای آقا! من، خدایا خشنودیت و خانه‌ی آخرت را می‌خواهم، ای فاطمه درباره‌ی هشت برایم شفاعت کن، به درستی که برای تو نزد خدا مقامی از مقامات شامخ است. خدایا از تو می‌خواهم، که فرجام کارم را به خوبیختی پایان دهی، و آنچه را در آن از دستم همگیری؛ و چراکه هیچ توان و قدرتی [برای کسی] جز برای خداوند والای بزرگ نیست. خدایا دعایهان را اجابت کن، و آن را به کرم و عزّت و به رحمت و عافیت پذیر، و درود خدا بر محمد و همه‌ی خاندان او، و بر آنان سلامی تمام کامل باد، ای مهریان ترین مهریانان.»